

شیوه حکومت داری و آبادانی جامعه از دیدگاه نهج البلاغه

زینب نصیری زرنندی^۱، نگین علی اکبری^۲

^۱کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار شاغل در منطقه ی افشار

^۲کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار شاغل در منطقه افشار

چکیده

نهج البلاغه کتابی حیات بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است. حکومت با استفاده مشروع از قدرت، جامعه را به اهداف مشترک خود می رساند و زمینه تعاون عمومی را برای رسیدن به سعادت فراهم می آورد. از نظرامام علی (ع) حضور و مشارکت فعال مردم در سامان دادن به امور جامعه، بسیار مهم است از این رو بعد از بیعت مردم با وی، پذیرش زعامت مسلمانان را مستند به حضور مردم کرد و آن را حجتی بر خود در اداره جامعه دانست. با تفحص و تعمق در سیره عملی و نظری امام چنین برداشت می شود که مهم ترین عامل رشد و توسعه همه جانبه و تامین امنیت و رفاه یک جامعه را ایشان، در نقش حاکم و زمامداران آن می داند. هدف این مقاله برقراری یک ارتباط منطقی میان شیوه حکومت داری و آبادانی جامعه است. در این مقاله سعی گردیده است با استفاده از روش کتابخانه ای ضمن مرور کلی بر مفاهیم اساسی به عواملی که کلید توسعه جامعه است و به آرمان های حکومت جامعه عمل می پوشاند، اشاره شود و در پایان پیشنهاداتی در رابطه با هدف این مقاله ارائه گردد.

واژه های کلیدی: نهج البلاغه، حکومت، مردم، آبادانی، جامعه

۱. مقدمه

حکومت دینی حکومتی است که بر پایه احکام و فرامین دینی بنا شده است. حکومت وسیله اقامه حق و زدودن ظلم و ستم از جامعه است و حکومتی مشروع خواهد بود که از طرفی منشأ الهی داشته، حاکم آن واجد صلاحیت های ذاتی باشد، و از طرف دیگر از اقبال مردم بهره مند باشد، چراکه مقبولیت مردمی حکومت باعث کارآمدی آن خواهد شد. دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، رسالت هدایت انسان ها را به کمال و سعادت دنیوی و اخروی عهده دار است. در فرهنگ دینی اسلام، بارها به پدیده‌ی حکمرانی اشاره شده است. طرح ایده حکمرانی در قرآن، روایات و سیره پیامبران و امامان بیان شده است و اصول حکمرانی با ارزش های دینی کاملاً تطابق دارد. یکی از منابع جامع دین ما درباره حکمرانی، نهج البلاغه می باشد که به حق حاوی معارفی است که آن را در جایگاهی والا پس از قرآن کریم قرار داده است. بدون تردید نهج البلاغه کتابی حیات بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است.

اهداف حکومت از منظر حضرت امیر را می توان به اهداف غایی و میانی تقسیم نمود. حکومت دینی در اهداف غایی و بلند مدت به دنبال انسان سازی و در اهداف میان مدت، در جهت مدیریت بر مبنای قوانین الهی، حاکمیت دادن شایستگان، اجرای عدالت همه جانبه، گسترش رفاه عمومی، افزایش توان اقتصادی شهروندان، آبادسازی و عمران کشور و ... می کوشد. از منظر نهج البلاغه جامعه دارای دو رکن است، حاکمان و مردم که این دو نقش موثری در آبادی جامعه ایفا می کنند. امام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه که از سخنرانی های ایشان در صحرای صفین است، به بیان حقوقی که در بین زمامدار و مردم نسبت به همدیگر وجود دارد می پردازد:

"در میان حقوق الهی، بزرگ ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت. و آنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند، و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد."

در این مقاله با بهره گیری از پژوهش های ارزشمند در زمینه نهج البلاغه، تلاش نموده ام تا به شیوه حکومت داری صحیح از دیدگاه حضرت امیر و نتایج آن بر آبادسازی جامعه بپردازم. در ادامه مفاهیمی از قبیل تعریف جامعه، ارکان جامعه از نظر امام علی(ع)، سنت رفتاری آن حضرت و تبیین دیدگاه ایشان درباره اشتغال و عواملی که در آبادانی جامعه نقش دارد در قالب نتیجه گیری، بیان می شود.

۲. پیشینه تحقیق

یکی از عوامل پیشرفت کشورهای متمدن دنیا، بازنگری جدی در پیدایش و کاربرد ابزار و روش های تحقیقاتی است. در یک نگاه واقع بینانه باید گفت کشورهای پیشرفته با سرمایه های اندک تنها با به کارگیری ابزار و روش های تحقیقاتی شایسته موفقند و ما با وجود برخورداری از ذخایر علوم، اندر خم یک کوچه ایم. مسئله بررسی نهج البلاغه همچون سایر رشته های علمی به یک سری ابزار و فنون ضروری متکی است. پس از انتخاب و یافتن موضوعات ضروری، و کسب تخصص و آگاهی لازم جهت به کارگیری ابزار تحقیق، در مرحله تحقیق و ارزیابی به کتب و مقالات تحقیقی نیازمندیم. تا با استفاده از نتایج پژوهش محققان و مفسران و شارحان نهج البلاغه، به نتیجه مطلوب و دلخواه خود دسترسی پیدا کنیم.

در این راستا به مقالاتی که مرتبط با موضوع این مقاله است اشاره می گردد:

حسین خنیفر و میلاد کریمی در مقاله ای با عنوان "رسالت حکمرانی کارآفرین و آبادسازی جامعه از دیدگاه امام علی" که با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است، سیره و شیوه عملی حضرت علی را مورد توجه قرار داده و

ضمن ارائه مصادیق مستند و متواتر بر اهمیت کار و تلاش، بر اصول کارآفرینی و ویژگی های کارآفرینان از دیدگاه امام علی تاکید نموده اند.

ابوالفضل شاه آبادی و آمنه جامه بزرگی در مقاله خود با عنوان "نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه" به بررسی نظریه حکمرانی خوب می پردازند، این نظریه کلید توسعه جوامع در حال توسعه را فراهم کردن شرایط و نهادهایی می داند که به دولت کمک کند تا از عهده انجام وظایف خود برآید و زمینه ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد. در ادامه این مقاله این نظریه با دیدگاه امام علی (ع) مقایسه می شود. دیدگاه حضرت علی درباره حکومت، دنیامدارانه و قدرت محورانه نیست چرا که ایشان در خطبه ۳۰ نهج البلاغه دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر شمرده و آن را پیمانی دانسته اند که خداوند از دانشمندان گرفته است. نتیجه این مطالعه نشان می دهد که نظرات و عملکرد امام علی با این نظریه که توسط بانک جهانی بیان شده هیچ منافاتی نداشته و بلکه در مواردی کامل تر و جامع تر می باشد.

محمد شریفی و مجتبی فائق در پژوهشی با عنوان "آسیب شناسی اخلاقی کارگزاران" کارگزاران، عوامل آسیب زا، پیامدهای ناگوار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ناشی از آن ها و راهکارهای پیشگیری از آسیب ها را با عنایت به رویکردهای حکومت علوی مورد بررسی قرار داده اند و به مهم ترین آسیب ها و آفات اخلاقی کارگزاران حکومت دینی از قبیل تکبر، دنیا دوستی، خشونت و ستمگری اشاره کرده و برای پیشگیری و مقابله با آسیب های اخلاقی کارگزاران پیشنهادهایی از قبیل سفارش حاکمان و مدیران ارشد به تواضع و فروتنی، زهدگرایی، مدارا و خوش رفتاری و التزام به واجبات دینی ارائه نموده اند. مرژگان قادر زاده و پریچهر ساروی در مقاله خود با عنوان "جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی"، به بررسی عمده ترین عوامل موثر در ایجاد جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته اند و ویژگی های افراد جامعه و وظایف مردم و زمامداران که ارکان اصلی جامعه محسوب می شوند، بیان نموده اند.

علیرضا کمالی در مقاله خویش با عنوان "بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه" به بررسی اهداف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیتی حکومت از منظر امام علی پرداخته و اهداف حکومت را به دو دسته اهداف غایی و میانی تقسیم نموده است. وی بیان کرده که بر اساس این اهداف وجود نهاد های امامت و رهبری امت، گزینش و جذب و نیروی انسانی کارآمد، تعلیم و تربیت، رفاه و تامین اجتماعی، امور مالی و بیت المال، تجارت، زراعت، دادگستری و ... در حکومت دینی ضرورت دارد.

جمال الدین دین پرور در مقاله خود با عنوان "مدیریت و حکومت علوی" به مهم ترین مولفه های مدیریت متعالی در نهج البلاغه از قبیل خود نظارتی، دقت در گزینش کارگزاران، عطوفت و مهربانی نسبت به مردم، خودسازی، شایسته سالاری، پرهیز از گرایش های حزبی، اشاره می کند.

۳. جامعه چیست؟

از لحاظ لغوی ریشه جامعه از جمع به معنی گردآوردن چیزی از تفرقه و جدایی است و "جمع" اسمی است که برای گروه انسان ها به کار می رود. مطابق با این تعاریف، جامعه به معنی گردآمدن، جمع شدن، گروه و... می باشد.

از لحاظ معنای اصطلاحی تعاریف گوناگونی را برای آن ذکر نموده اند:

ساموئل کینگ می گوید: جامعه مجموعه ای از افراد است که بر اثر سنن، آداب و رسوم، شیوه های زندگی و فرهنگ مشترک به هم پیوسته اند و در آن مردم هستند که به خاطر نیل به هدف عام المنفعه ای در حال همکاری و تعاون با یکدیگر زندگی می کنند. از دید دورکیم جامعه تنها مجموعه ای از افراد نیست؛ منظومه ای است که از اتحاد افراد به وجود آمده است؛ واقعیت خاصی با صفات خاصی است. شکی نیست که اگر شورهای فردی نبود هیچ امر جمعی تشکیل نمی شد. اما برای آنکه امور اجتماعی به وجود آید، این شعورها باید به نحوی به هم بپیوندند و با هم ترکیب شوند. در بیشتر این تعاریف، جامعه به عنوان

گروهی از افراد که دارای فرهنگ، آداب و رسوم مشترک هستند و در جهت اهداف خاصی با هم تعاون و همکاری دارند، قلمداد شده است.

۴. ویژگی های جامعه ی آباد از دیدگاه امام علی(ع):

جامعه چیزی سواى از افراد نمى باشد و افراد هستند که موجبات تشکیل جامعه اسلامی را فراهم می آورند. افراد جامعه به دو رکن اصلی تقسیم می شوند: رکنی از آنان را مردم و رکنی دیگر را زمامداران تشکیل می دهند و درآبادانی یک جامعه هر دو رکن مؤثرند.

کلیه صفات و وظایفی که در نهج البلاغه برای افراد جامعه ذکر شده به چهار دسته قابل تقسیم است؛ هریک از زمامداران و مردم وظایف خاصی در برابر یکدیگر دارند که هر کدام به طور جداگانه قابل بررسی است.

۱- اوصاف مشترک مردم و زمامداران:

تقوا: مردم و زمامداران همواره به تقوای الهی سفارش شده اند. ایشان در خطبه ۱۶ نهج البلاغه که یکی از نخستین خطبه های مربوط به شرایط بحرانی آغاز خلافت خویش است، فرموده اند: "هان ای مردم! خطاکاری ها چون اسب های بدرفتارند و خطاکاران بر آن سوار، عنان گشاده می تازند تا سوار خود را به آتش دراندازند." امام علی (ع) علاوه بر اینکه مردم را به طور عام به تقوا سفارش می نمودند، زمامداران را به طور خاص بدان توصیه می کردند. از جمله در نامه ۱۲ به معقل بن قیس ریاحی در زمان انتخاب وی به عنوان فرماندهی نیروی شام فرمودند: "تقوا را پاس دار در پیشگاه پروردگاری که او را دیدار خواهی کرد". همچنین آن حضرت تأثیر و پیامد آن بر فرد و جامعه را، در خطبه ۲۳۰ بیان نموده اند: "ای بندگان! به درستی که تقوای الهی کلید درستی و آزادی از هر بندگی و نجات از هر بدبختی است. به وسیله آن، انسان به هدفش می رسد و از دشمن نجات می یابد و به آرزوهایش نایل می گردد".

زهد: حضرت ضمن توصیه مردم به زهد، آن را چنین تعریف کرده اند: ای مردم! زاهد راستین یعنی درازای آرزوها را بریدن و نعمت ها را سپاسگزار بودن و در حریم محرمات، پارسایی گزیدن. امام علی(ع) در جهت توصیه زمامداران به زهد، به زندگی زاهدانه پیامبر اسلام اشاره کرده اند: "از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و بدان چندان نگریست که گوشه چشم بدان افکند." حضرت تأثیر و پیامدهای زهد را نیز گوشزد نموده اند: "اگر انسان دل به دنیا نسپارد هرگز برای رسیدن به جاه و مقام دست و پا نمی زند و برای ماندن در ریاست و قدرت به ستم نمی گراید و به انواع بیماری های نفسانی گرفتار نمی شود."

صبر: امام علی(ع) در طول حکومت خود بارها مردم و زمامداران را به آن سفارش نمودند: عمل، عمل... صبر، صبر / بر شما باد شکیبایی که شکیبایی نسبت به ایمان چون سر است نسبت به تن و خیری نیست در تنی که سر نداشته باشد و نه در ایمانی که با شکیبایی همراه نباشد."

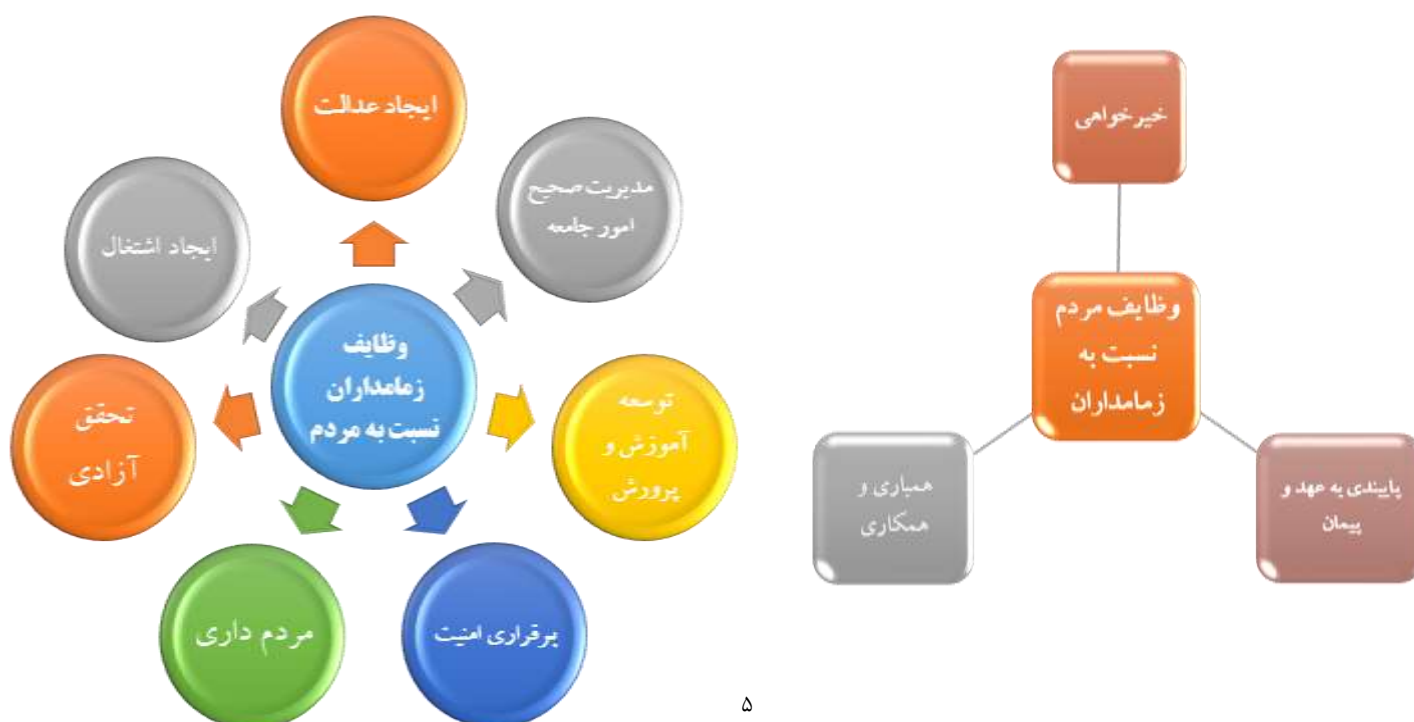
آن حضرت نه تنها در کلام، بلکه در زندگی خود نیز همواره صبر را تعلیم داده است، چنان که در شرایط بحرانی پس از رحلت پیامبر اسلام صبر بی نظیر امام بود که جامعه را از تفرقه نجات داد. خود در این باره فرموده اند: دامن از خلافت برچیدم و پهلوی از آن پیچیدم و بیندیشیدم که یا صبر پیشه سازم یا بدون باور بستیزم. چون نیک سنجیدم صبر را خردمندانه تر یافتم.

۱- اوصاف ویژه زمامداران:

عدل: از نظر آن حضرت این خصوصیت از مهم ترین خصوصیات است که انسان ها باید دارا باشند. ایشان در خطبه ۱۴۶ فرموده اند: "بدان که برترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است عادل، هدایت شده و راهبر. بر اساس فرموده ایشان در خطبه ۶۹ زمانی که زمامداران جامعه ای عادل باشند، مسلماً در اداره امور نیز عدالت را رعایت خواهند کرد و در نتیجه، همه امور به نحو مطلوب و درست در جایگاه اصلی خویش قرار خواهد گرفت. البته کسی می تواند عادل باشد که هوا و هوس را از خود دور کرده باشد؛ چنان که ایشان نخستین نشانه عدل را بیرون کردن هوا و هوس از دل دانسته اند.

علم: از نظر حضرت علی(ع) زمامداران در هر مرتبه ای از سمت های حکومتی باید علم لازم و متناسب با آن مرتبه را داشته باشند. ایشان در خطبه ۱۷۳ می فرمایند: سزاوارترین مردم به خلافت... داناترینشان به دستورات خداوند است. و نیز در نامه ۴۲ به مصریان، که همراه مالک اشتر بود چون او را به حکومت آن سرزمین گماشت آورده اند: لیکن نگرانی من از آن است که نابخردان این امت زمامداری را به دست آورند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را به بندگی و خدمت خود گیرند. همچنین ایشان در نامه ۵۳، در جهت استفاده از علم و تخصص دانشمندان به مالک اشتر توصیه نمودند: با دانشمندان زیاد به گفت و گو بنشین و با حکما و متخصصان نیز بسیار به بحث پرداز. این بحث و گفت و گو درباره مسائلی باشد که به وسیله آن وضع کشور سامان می پذیرد.

هوشیاری: امام علی(علیه السلام) در عین اینکه با دشمنان مدارا می کردند، همواره مراقب کردار و اعمال آن ها بوده، با هوشیاری و درایت، اعمال آن ها را زیر نظر داشتند. این توصیه را همواره به کارگزاران خویش نیز داشتند. در عهدنامه معروف خود به مالک اشتر ضمن سفارش او به صلح و دوستی با دشمن، از وی خواستند که بعد از صلح از دشمن برحذر باشد؛ زیرا چه بسا دشمن خود را به او نزدیک کند و سپس غافل سازد. پس باید احتیاط پیشه کند و از گمان نیکو در این زمینه بپرهیزد. حضرت امیر برای زمامداران ویژگی های دیگری نیز برشمرده اند مانند: شجاعت، قاطعیت و وفای به عهد و در ادامه به وظایف زمامداران نسبت به مردم و بالعکس در نمودار های زیر اشاره می گردد:



وقتی زمامداران در تحقق بخشیدن وظایف خویش کوتاهی نورزند و مردم هم با آن ها همکاری کنند، در این صورت حقوقی که آن ها نسبت به یکدیگر دارند، ادا شده و نتایج ارزنده آن نصیب جامعه می شود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) در خطبه ۲۱۶ به صراحت به تبیین این حقوق پرداخته اند: "از بزرگ ترین حق ها که خداوند واجب کرده است حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی است؛ حق هر یک را بر عهده دیگری واگذار نموده و آن را موجب برقراری پیوند آنان و ارجمندی دین ایشان قرار داده است. پس حالت رعیت نکو نگردد جز آن گاه که والیان نیکو رفتار باشند. چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت را به جا آورد، حق میان آنان بزرگ می شود و راه های دین پدیدار و نشانه های عدالت پا برجاست؛ پس کار زمانه آراسته گردد و امید در پایداری دولت پیوسته و چشم از دشمنان بسته شود."

با تفحص و تعمق در سیره عملی و نظری امام چنین برداشت می شود که مهم ترین عامل رشد و توسعه همه جانبه و تامین امنیت و رفاه یک جامعه را ایشان، در نقش حاکم و زمامداران آن می داند. از دیدگاه امام علی حاکمیت و نظم سیاسی نه تنها لازم بلکه امری ضروری است. وی در باب ضرورت حکومت در خطبه ۴۰ می فرماید: هر ملتی باید زمامدار داشته باشد، خواه خوب باشد یا بد.

۵. سنت رفتاری امام علی علیه السلام در باب کار و تاثیر آن بر آبادانی جامعه

سنت عملی امام علی (ع) اشتغال به کار مفید و سازنده بوده است و شکل کار برای او مطرح نبوده است. در نظر او مکان و موقعیت ممتاز اجتماعی او هیچ گاه تنافی با اصل کار کردن و یا کار برای دیگران انجام دادن نبوده است. مهم در رفتار و سیره عملی آن حضرت کار مثبت و سازنده بوده است و از این جهت می تواند، اسوه و الگوی گویای کار مفید برای جامعه اسلامی باشد. (نظری، ۱۳۸۷)

کار قسمت اعظم از زندگی انسان را در بر می گیرد. از نظر حضرت امیر بر پایه دو عامل آبادی و عمران زمین و پاداش عادلانه برای کار، می توان جامعه ای سالم بنا نهاد. ایشان از تنبلی دوری می جست و مردم را به کار و کوشش دعوت می کرد و آنها را از بی حوصلگی و تن آسایی که موجب فقر و تهیدستی است بر حذر می داشت. و می فرمود: هرگاه کسالت و ناتوانی با هم همراه شد، از آنها فقر و تهیدستی، متولد می شود. در اندیشه و سیره حضرت علی (ع)، کار و تلاش از مباحث مهم محسوب می شود. یکی از حقوق اولیه مردم آن است که همه حق دارند شاغل باشند و در برابر کار و کوشش خود پاداش و مزد مناسب دریافت کنند.

امام علی (ع) در نامه ۵۳ در بیان هدف و انگیزه ارسال مالک اشتر برای زمامداری مصر، چهار موضوع اساسی را تذکر داده اند: ۱- گرفتن مالیات که منظور اصلاح و تنظیم مسائل اقتصادی است. ۲- دفع دشمن و هر نوع مزاحم زندگی مردم جامعه. ۳- اصلاح وضع مادی و روحی مردم ۴- آبادسازی شهرها.

اصلاح و تنظیم مسائل اقتصادی از اساسی ترین اهداف مدیریت اجتماعی در اسلام است. لذا امام علی (ع) در موارد فراوانی از سخنان خود به این موضوع اشاره کرده و یکی از مهم ترین عوامل اختلالات اقتصادی را سودپرستی افراطی دانسته که عده زیادی به آن مبتلا هستند.

"و بدان با این حال در عده فراوانی از بازرگانان، تنگ چشمی و تنگ دلی آشکار و لثامت و پستی قبیح و احتکار منافع و زورگویی در معاملات است. و این وضع موجب ضرر بر عموم مردم، و عیبی است بر زمامداران." (جعفری، ۱۳۹۳)

آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق در دیدار با جمعی از دانشجویان در سال ۹۲ در تفسیر این کلام حضرت، بیان می دارد:

"وجود مبارک حضرت امیر به مالک اصرار کرد که مصر را با تولید اداره کن، با اشتغال و کار اداره کن، اصرار نداشته باش که مالیات بگیری، اصرار داشته باش که کار ایجاد کنی، تولید زیاد بشود، آنگاه مالیات بگیری. فرمود مواظب باش در آباد کردن

مصر، هرگز غفلت نکنی؛ صاحبان حرف را شناسایی کن و کاری کن که این ها بتوانند برای خودشان کار کنند و با کرامت زندگی کنند. خدای سبحان بنا بر این نگذاشت که نظام، جامعه را اطعام بکند، بلکه باید جامعه را اکرام کند، سیر کردن شکم، هدف نظام نیست، حفظ کرامت انسانی، هدف نظام است. اساس یک نظام به این سبک است که افراد جامعه کار داشته باشند، هر کس برای خودش، حالا یا بخش خصوصی است یا بخش تعاونی است یا بخش های دیگر".

۶. نتیجه گیری

حکومت دینی آرمان های گسترده ای را دنبال می کند. در این نوع حکومت، سعادت اخروی به سعادت دنیوی ضمیمه می شود و تامین نیاز های مادی و معنوی در حوزه آرمان های حکومت قرار می گیرد. آرمان های حکومت وقتی جامه عمل می پوشد که دولت از کارگزاری شایسته، برنامه ای مناسب و مشارکت مردم برخوردار باشد. کاستی در هریک از این سه عامل تعیین کننده، دستیابی به اهداف مورد نظر را با مشکل مواجه می سازد. از آموزه های علوی چنین بر می آید که اگر قدرت و مدیریت در دست انسان های نالایق افتد، جامعه به انحطاط می گراید و بر اثر ستمگری، مردم به پریشان خاطری مبتلا شده، با قدرت های شیطانی کنار می آیند؛ رشوه گیری، حقوق مردم را پایمال می کند و بالاخره با تعطیل سنت، امت به تباهی رو می نهد. از این رو وقتی می توان به افق روشنی چشم دوخت که فرمانروایان و فرماندهان از میان شایسته ترین مردم و کارآمدترین آن ها انتخاب شوند که در خیرخواهی برای دین، صفای باطن، خردورزی، ضعیف نوازی و دیگر کمالات از همه برتر بوده به ضعف نزدیک باشند.

شرط دیگر تحقق آرمان های حکومت، در اختیار داشتن برنامه ای است که راه دستیابی به اهداف را نشان دهد. اداره جامعه نیازمند مقرراتی است که ناظر بر پدیده های متغیر و شرایط گوناگون باشد. این کار با اطلاع از تجربیات بشری، شناخت اوضاع زمانه و آگاهی از توانمندی ها و استعدادها عملی می گردد. شرط سوم تحقق آرمان ها، مشارکت مردم و همراهی آنان با دولتمردان برای دستیابی به اهداف است.

حضرت امیر در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید:

"هرگاه توده مردم، به حقوق حاکم وفادار باشند و دولت نیز حقوق مردم را ادا کند، حق در جامعه محترم و حاکم می گردد. ارکان دین برپا می شود، علائم عدالت بدون هیچ گونه انحراف ظاهر می شود، سنت ها در بستر خود قرار می گیرد. آن گاه زمانه دوست داشتنی می شود و دشمن از طمع به چنین اجتماع استواری مایوس می گردد".

سخن آخر این که نقش کار و اشتغال در آبادسازی جامعه غیر قابل انکار است و کار از حقوق اولیه مردم است و لازم است حکومت در رساندن مردم به این حق مهم کوشا باشد.

منابع و مراجع

۱. جامه بزرگی، آمنه؛ شاه آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه. شماره ۲.
۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳). اهمیت انسان بطور عام از دیدگاه علی (ع) و وحدت و برادری نوع بشر. شماره ۴۱ (علمی - پژوهشی). از ۱۱ تا ۲۴.
۳. خنیفر، حسین؛ کریمی، میلاد (۱۳۹۴). رسالت حکمرانی کارآفرین و آبادسازی جامعه از دیدگاه امام علی (ع). شماره ۴۵ (علمی - پژوهشی). از ۴۵ تا ۶۶.

۴. دین پرور، جمال الدین (۱۳۹۴). مدیریت و حکومت علوی، فرازمانی و فرامرزی. فصلنامه النهج. شماره ۴۶.
۵. دشتی، محمد (۱۳۸۹). ابزار و اطلاعات مقدماتی تحقیق در نهج البلاغه. قم: موسسه امیرالمومنین، چاپ سوم.
۶. شریفی، محمد؛ فائق، مجتبی (۱۳۹۵). آسیب شناسی اخلاقی کارگزاران. پژوهشنامه نهج البلاغه. شماره ۱۵ (علمی - پژوهشی). از ۱ تا ۲۰.
۷. کمالی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه. شماره ۵۴ (علمی - پژوهشی)، از ۱۱۳ تا ۱۳۴.
۸. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۳). نشر آستان قدس رضوی، چاپ چهاردهم.